**تدوین منظومه تهدیدات اجتماعی**

**ريحانه فراهاني(كارشناس جامعه شناسي)**

جامعه اسلامی در واحد‌های کوچک خود در محله‌ها تبلور می‌یابد. محله یک نمونه کوچک از وقایع و جریانات داخل جامعه است. شناخت صحیح از نیازها، معضلات و تهدیدات یک محله رابطه مستقیم با توان برنامه‌ریزی نهادهای فرهنگی برای مواجهه با آن دارد. بسیاری از مراکز فرهنگی فعال مثل مساجد، مراکز بسیج، و کتابخانه‌ها مراکزی هستند که باید برآورد دقیقی از چند و چون معضلات اجتماعی محیط پیرامون خود داشته باشند. جوامع امروزی هرچه بیشتر به سمت مدرنیته سوق داده می‌شود با مسائل پیچیده‌تری مواجه می‌شوند. البته این به معنای تضاد فرهنگ اسلامی با مدرنیته نیست. علما و کارشناسان دینی بارها تأکید کرده‌اند نه تنها این فرهنگ با اصل مدرنیته مخالف نیست، بلکه همواره شوق پیشرفت انسانی در زمینه‌های مختلف علم و تکنولوژی و رفاه اجتماعی بوده است. مسئله اصلی عوارض منفی پس از به کارگیری مدرنیته است که آن هم با هوشیاری و پیشگیری قابل حل است.

در جامعه امروزی محله محدود به همان محله نیست؛ بلکه محله با همه جهان ارتباط دارد. پیشرفت وسایل ارتباط جمعی همچون اینترنت و ماهواره نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کند. لذا دیدگاه‌ها، اعتقادها، تمایلات و گرایش‌ها در زمینه لذات به‌سادگی در سراسر جهان منتشر می‌شود. متأسفانه برخی منابع رسانه‌ای و اینترنتی ترویج مفاهیمی در تضاد با فرهنگ و اندیشه اسلامی را در دستور کار خود قرار می‌دهند. در برنامه‌ریزی فرهنگی برای یک محله باید به مقیاس جهان توجه داشت. اطلاع از جریان‌ها و تمایلات و گرایش‌های باب روز در جهان همگی از این نوع هستند. امروزه تهدیدات مطرح برای خانواده در مقیاس یک محله کوچک نیست؛ بلکه در مقیاس جهانی قابل ردیابی است. متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود بسیاری از این تهدیدات نوین مورد غفلت اهالی فرهنگ قرار می‌گیرد و هنوز در بسیاری از برنامه‌ریزی‌های فرهنگی تهدیدات به شکل سنتی در نظر گرفته می‌شود.

در دوره معاصر تهدیدها و نابهنجاری‌ها به شخصی‌ترین حوزه افراد سرک می‌کشد و کودکان و نوجوانان ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند. طبیعی است در برابر چنین هجمه‌ای نمی‌توان مانند گذشته عمل کرد و نیاز به تمهیدات جدید و جدی ضروري است. قدم اول در چنین مواجهه‌ای شناسایی عناصر فرهنگی و اجتماعی و رسانه‌ای مهم است. نوشتار حاضر به برخی از مفاهیم بنیادین فضاهای پرخطر مدرن می‌پردازد.

1. سهولت دسترسی به اطلاعات: عصر جدید را عصر ارتباطات و اطلاعات خواندن گزاف نیست، هر لحظه و هرجا کافی است با در اختیار داشتن یک دستگاه رایانه و یک خط اینترنت به شبکه جهانی اینترنت وصل شوید. کارشناسان رسانه و اینترنت خود معتقدند همین گستردگی و سهل الوصولی در عین مزیت می‌تواند عیب بزرگی برای کاربر باشد. از جمله این عوارض می‌‌توان سردرگمی در میان اطلاعات، هرزه گردی و طولانی شدن فرایند دسترسی به اطلاعات مطلوب دانست. این بستر گسترده می‌تواند گرینه‌های بسیاری را جلوی راه یک نوجوان یا یک جوان قرار دهد. مطمئناً در جوامع دینی مثل کشور ما این خطر دوچندان می‌شود. آموزش راهکارهای مناسب و غیر‌مستقیم، کنترل والدین بر اینترنت کودکان و نوجوانان، و آموزش‌های پایه و حداقلی در مورد اینترنت و کامپیوتر به والدین ضرورت‌هایی است که مراکز فرهنگی به‌خصوص مساجد باید در اقدام با آن پیش قدم شوند؛ البته این به معنای برخورد انفعالی با این مقوله‌های نوظهور نیست. اگر قرار است جوانان با کامپبوتر و اینترنت آشنا شوند ـ که به هر حال در دنیای مدرن و پیچیده امروزی امری حتمی و ناگزیر است ـ بهتر است که این اتفاق از کانال مساجد و دیگر مراکز فرهنگی و دینی صورت گیرد تا همراه با آن آموزش‌های لازم جهت هوشیاری در برابر تهدیدهای پیش رو نیز لحاظ شود.

2. فرهنگ بی بندوباری جنسی در محلات: از جمله عوارض زندگی‌های جدید و آشنایی بیشتر با فرهنگ غرب، مهجور‌شدن برخی سنت‌های حسنه گذشته درباره حجب و حیای پسران و دختران است؛ البته منظور زیستن در یک فضای کاملاً جدا نیست؛ بلکه مقصود ترویج فرهنگ بی‌بندوباری در برقراری رابطه در سطح کوچه و محله‌هاست. بسیاری از فرهنگ‌های غربی از طریق رسانه‌های تصویری وارد فضای جامعه اسلامی می‌شوند. کارشناسان معتقدند انتقال از طریق تصویر بسیار عمیق‌تر و تأثیرگذارتر از متن یا صوت است.

3. ورود به فضای دانشگاه: در محلات بسیار مشاهده می‌شود که گاه جوانی با وجهه مذهبی و مشارکت منظم در فعالیت‌های مسجد بعد از قبولی در دانشگاه ـ که به نوعی شروع یک زندگی خارج از محله هم هست ـ به تدریج از برخی فضاهای مذهبی گذشته فاصله می‌گیرد. البته این به معنای تعمیم مشکل به همه دانشگاه‌ها یا وجود عنصری ذاتی و نامطلوب در فضای دانشگاه نیست. دانشگاه به خودی خود مکانی مقدس و پویاست؛ ولی به دلیل گستردگی و به نوعی رها شدن افراد در فضای آن، گاه تحت تأثیر برخی شرایط، گذشته مذهبی بعضی افراد کم‌رنگ می‌شود. آنگاه این دانشجویان در بازگشت به محل زندگی خود، این تأثیر را به بقیه جوانان محله خود هم منتقل می‌کنند. به راستی برنامه مساجد برای جوانانی که همزمان با قبولی در دانشگاه ارتباط‌شان با مسجد به دلیل حضور در دانشگاه یا شهری دیگر کمتر از قبل می‌شود، چیست؟ آیا متولیان فرهنگی نباید به فکر راه‌حل‌هایی برای استمرار ارتباط این قشر فرهیخته با مسجد باشند؟ در برخی مساجد که متولیان هوشمندی در آن فعالیت می‌کنند با برقراری کلاس درس برای دانشجویان تحصیل کرده ـ مثلاً به‌عنوان استاد زبان یا کامپیوتر ـ انگیزه بالایی در آنان برای استمرا ارتباط با مسجد ایجاد می‌کنند.

4. مدگرایی و از بین رفتن هویت مستقل در جوانان: جوانان یک محله همه‌شان لزوماً مسجدی نیستند. همیشه درصدی از آنان فضاهای خارج مسجد و با دوستانی دیگر را ترجیح می‌دهند. گاه این فضاها به نوعی در فضای محله به صورت فرهنگ غالب درمی‌آید و جو حاکم بر محله را عوض می‌کند.

موارد بالا عمده‌ترین مؤلفه‌های تهدیدات اجتماعی در سطح محلات است که شناخت کامل از این موارد می‌تواند به برنامه‌ریزی بهتر و واقع‌بینانه‌تر متولیان فرهنگی یاری رساند.